

بررسی راهکارهای عدالت ترمیمی در جرائم خانوادگی (مطالعه موردی: ترک انفاق)

فرهاد میرزایی^۱، نسیم کریمی^۲

چکیده

هدف از مقاله حاضر بررسی راهکارهای عدالت ترمیمی در جرائم خانوادگی می‌باشد. خانواده در تمام ادیان الهی، بالاخص در دین اسلام از اهمیت بسزایی برخوردار است و دولت‌ها راهکارهای مختلفی را برای حمایت از خانواده اتخاذ می‌کنند. یکی از این اقدامات جرم‌انگاری در رفتارها و اعمالی است که بنیان خانواده را تهدید می‌کند و از طرفی عدالت ترمیمی بعنوان سیاست جنایی قابل انعطاف سعی بر این دارد تا با ایجاد سازوکار مناسب، صلح و سازش را در جرائم حوزه خانواده بکار برد، تا بتواند بین بزه دیده، بزه‌کار و خانواده‌هایشان رفع خصومت کرده و آنان را به جامعه محلی بازگرداند. بر همین مبنا سوال اصلی پژوهش پیش‌رو این می‌باشد که راهکارهای عدالت ترمیمی در جرائم خانوادگی به چه صورت است؟ که به روش توصیفی-تحلیلی به ارزیابی این فرضیه می‌پردازد که عدالت ترمیمی از طریق ایجاد سازوکار مناسب، صلح و سازش را در جرائم خانوادگی برقرار می‌نماید. در نهایت یافته‌ها حاکی از آن است که عدالت ترمیمی با سیاست جنایی که در آن بکار برده می‌شود، می‌تواند رابطه مستقیم و موثری در جرائم خانوادگی بالاخص ترک انفاق داشته باشد و حتی می‌تواند بهتر و موثرتر نسبت به روش‌های سنتی اجرا شود.

واژگان کلیدی: عدالت ترمیمی، جرائم، جرائم خانوادگی، ترک انفاق

پژوهش‌های حقوقی و جرم‌شناسی
مجله علمی-پژوهشی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ استادیار، دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوئین‌زهره

^۲ دانشجوی کارشناسی‌ارشد جزاء و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوئین‌زهره Nasim.karimi0063@gmail.com

مقدمه

خانواده کوچکترین نهاد موجود در جامعه و زیربنای تشکیل دهنده اجتماع است اما این گروه کوچک به دلایلی از جمله وجود رابطه قوی معنوی بین افراد تشکیل دهنده آن حائز اهمیت بسیار است. این اهمیت و نقش بسیار مهم خانواده، نظام‌های حقوقی را وادار ساخته تا با وضع مقررات ضمانت اجرایی مدنی و کیفری به حمایت از خانواده و ارزش‌های آن دست یابند و از طرفی امروزه تدابیر قضازدایی را در صدر برنامه‌های خود مورد تاکید قرار دهند و از انواع جایگزین‌ها بعنوان مجازات استفاده می‌نمایند. بررسی‌ها نشان می‌دهد تشکیل پرونده‌های قضایی آثار و مواردی را به دنبال دارد که از جمله تحمیل هزینه‌های مضاعف در جامعه، هدر رفتن انرژی، زمان، منابع و درگیر شدن تعدادی نیروهای انسانی قابل توجه در فرایندهای مختلف تشکیل پرونده‌های قضایی، ایجاد جو قضایی به جای رویکرد قضازدایی، طولانی شدن زمان و اطاله دادرسی پرونده‌های موجود و پیچیده شدن و طولانی شدن فرایند حل مشکلات دستگاه اجرایی و کارکنان. از طرفی نظام‌های نوین قضایی بر مواردی تاکید دارند که جایگزین‌های مناسبی می‌باشند از جمله پیش‌بینی جبران خسارت ناشی از جرم‌ها، بکارگیری جرم‌زدایی به جای جرم‌انگاری، میانجیگری و سازش بین طرفین و رفع اختلاف و داوری که دعوای را از محدوده کیفری خارج کرده تا بتواند از طریق سازوکار مناسب میانجی مشکلاتشان را با تصمیمی الزام‌آور و درست حل کنند. این حمایت‌ها، به ویژه نسبت به افرادی از خانواده که از بیشترین میزان آسیب‌پذیری رنج می‌برند یعنی زنان اعمال شده و واجد اهمیت است اگر سیاست‌های حمایتی حقوقی و کیفری نباشد به تدریج بدون شک جامعه مملو از خانواده‌های آسیب دیده و رو به انحطاط خواهد بود.

برخی از این جرائم علیه قداست خانواده رخ می‌دهد. عدالت کیفری مبتنی بر سزادهی، بعنوان تنها سازوکار برخورد با پدیده مجرمانه محسوب می‌شد تا اینکه به تدریج عدالت کیفری مبتنی بر اصلاح و بازپروری بزهکاران ظهور کرده و آثاری را برجای گذاشت بنحویکه با مرور زمان مشخص شد هریک از این الگوها با ایرادات و معایبی همراه است که نتواند به اهداف خود دست یابد. عدالت ترمیمی الگوی جدیدی در سیاست جنایی است که بر احیای حقوق بزه دیده و حل و فصل و رفع خصومت مسائل ناشی از وقوع بزه و ترمیم خسارت‌ها به ویژه خسارت‌های وارده به بزه دیده و نیز احیای بزهکار با مشارکت فعال و آزادانه بزه دیده و بزهکار و جامعه محلی، از طریق گفتگو و مذاکره رو در رو در قالب سازوکارهایی مانند میانجیگری و نشست‌های گروهی و خانوادگی به مصالحه و توافق اجتماعی تاکید می‌کند. باتوجه به مطالب مذکور هدف از مقاله حاضر بررسی راهکارهای عدالت ترمیمی در جرائم خانوادگی می‌باشد که به روش توصیفی-تحلیلی به ارزیابی این فرضیه می‌پردازد که عدالت ترمیمی از طریق ایجاد سازوکار مناسب، صلح و سازش را در جرائم خانوادگی برقرار می‌نماید.

۱- تاریخچه عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی بعنوان یک رویکرد نوین عدالت کیفری در دهه ۱۹۷۰ میلادی ظهور کرده است اولین کسانی که از این اصطلاح استفاده کرده‌اند آلبرت اگلاش و آربانت بودند (رحیمی نژاد و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۴). تعیین تاریخ دقیق شروع بحث‌های مربوط به عدالت ترمیمی مشکل است و در این خصوص بین نویسندگان اتفاق نظر وجود ندارد. داگلاس جی سیلوستر آغاز حرکت عدالت ترمیمی را مربوط به زمانی می‌داند که مباحث مربوط به ایجاد یک نظام اصلاحی بر تأدیب، به جای کیفر، شروع شد؛ لذا او محدوده تاریخی ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۴ را برای آن تعیین می‌کند ولی کاربرد وسیع این واژه را مربوط به سال ۱۹۷۷ میلادی و توسط آلبرت اگلاش کانادایی می‌داند. صرف نظر از اینکه برای اولین بار چه کسی و در کجا از واژه عدالت ترمیمی استفاده کرده است نمی‌توان انکار کرد که بشر از ابتدای شکل‌گیری جامعه، همواره به دنبال عدالت بوده است. مطالعه ادوار مختلف تاریخی بیانگر این واقعیت است که انسان همواره مفهومی از عدالت را در ذهن داشته و به دنبال جلوه‌های آن در هر عصر و زمان است. بنابراین مفهوم ترمیمی از اجرای عدالت، بعنوان یکی از جلوه‌های اصلی عدالت از ابتدا در جوامع بشری مطرح بوده است لذا آن را یک مفهوم "کهنه و جدید" معرفی می‌کنند (شیری، ۱۳۹۶: ۳۹-۳۷). علاوه بر این عدالت ترمیمی بعنوان فلسفه و مبنای نظری حل اختلاف‌ها و تعارضات و مدلی برای عدالت در امور کیفری نمایان شد. این نهضت اصلاحی در سطح بین‌الملل نیز گسترده شد و ۳۳ موضوع مباحث و تصمیمات متعددی در قالب قطعنامه‌ها و معاهدات قرار گرفته است.

اصطلاح عدالت ترمیمی، برای موضوع و مردمی متفاوت عرضه شده است. شهرت آن به این دلیل است که از منابع و سرچشمه‌های متفاوت و گاه متعارض برخوردار است که در نتیجه آن را قابل تطبیق با نیازها، اندیشه‌ها و گروه‌های مختلف اعم از مجریان حرفه‌ای عدالت یا نهادها و سازمان‌ها می‌کند. این ویژگی هم موجب تقویت و هم موجب تضعیف آن است از این جهت عدالت ترمیمی مفهومی مبهم و در عین حال موضوعی مستلزم کوشش بسیار و جاه‌طلبانه است. برای برخی از نویسندگان عدالت ترمیمی شکل جدیدی از عدالت نیست. بلکه نوعی بازگشت به انواع عدالت دوران قبل از مدرنیته است. در عدالت ترمیمی هم می‌توان عدالت باستان و هم عدالت بومی را ملاحظه کرد. بدین ترتیب نمی‌توان عدالت ترمیمی را محدود به زمانی خاص نمود. در این تاریخ طولانی عدالت کیفری جدید است که بعنوان تحولی فرعی و نه اصیل در اجرای عدالت، نیازمند توضیح است. سابقه استفاده از عدالت ترمیمی در تاریخ حقوق معاصر ایران نویدبخش این مطلب است که عدالت ترمیمی یک پدیده جدید نمی‌باشد تا این نگرانی ایجاد گردد که شاید نتوان عدالت ترمیمی را در عمل پیاده نمود. بعضی سیستم قضایی ما در سده اخیر با جلوه‌هایی از عدالت ترمیمی آشنا بوده است. مثلاً خانه‌های انصاف در قبل از انقلاب و شوراهای حل اختلاف بعد از انقلاب از عدالت ترمیمی می‌باشد (نجفی

ابرنآبادی، ۱۳۸۲: ۵۹). تنها در دوران اخیر و در حکومت‌های جدید بود که دولت مساله حل اختلاف میان مردم را از اجتماع، بزه دیدگان و بزهکاران مصادره کرد و در این فرایند، سنت طولانی اجرای عدالت ترمیمی را به خاک سپرده است.

۲- منظور از عدالت ترمیمی

ارائه تعریف عدالت ترمیمی کار ساده‌ای نیست و تاکنون هیچ‌کس تعریف جامعه‌ای از آن ارائه نداده است. در واقع عدالت ترمیمی فرایندی است که در نتیجه آن طرفین با بزه در شکلی خاص مشترکاً به چگونگی برخورد با بزه و دشواری‌های آن در آینده معین و حل می‌کنند. این تعریف گسترده بوده و با تجزیه و تحلیل این تعریف مشخص می‌شود که عدالت ترمیمی فرایند و روش خاصی است که رابطه بین بزه دیده و بزهکار و تمام گروه‌ها را که به نوعی با بزه ارتباط دارند مورد توجه قرار داده است عدالت ترمیمی، آسیب‌های معنوی و مادی بزه دیدگان را ترمیم می‌کند و بستری از فرصت‌های مناسب را برای گفتگو، مذاکره و حل و فصل مشکل هر زمانیکه امکان داشته باشد فراهم می‌آورد. تونی مارشال در پاسخ به این پرسش که عدالت ترمیمی چیست؟ می‌نویسد عدالت ترمیمی شیوه حل کردن مساله بزه با مشارکت طرفین اختلاف و عموماً جامعه محلی است در این راستا رابطه فعال با نهادهای قانونی وجود دارد. نکته‌ای که مورد توجه قرار می‌گیرد بررسی بزه و دشواری‌های آن است که اشاره به خسارت‌های حاصله از بزه دارد و خسارت‌هایی که متوجه بزه دیده بوده و باید چاره‌ای برای جبران آن اندیشید (شیری، پیشین: ۲۱-۲۰). عدالت ترمیمی فرایندی است برای درگیر نمودن تا آنجا که امکانپذیر است، کسانی که دارای سهمی در یک جرم خاص هستند تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان‌ها، نیازها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور به اندازه‌ای که امکانپذیر است اقدام نمایند.

مارتین رایت انگلیسی نیز عدالت ترمیمی را اینگونه تعریف می‌کند: «عدالت ترمیمی عدالتی است که تلاش می‌کند که بین بزه دیده و جامعه و نیاز به بازپذیری اجتماعی بزهکار توازن و تعادل ایجاد نماید و کوشش بر این است تا وضعیت بزه دیده را تا حد امکان عملی ساخته و در این مسیر تمام اشخاصی را که بنحوی در حادثه مجرمانه نقشی دارند (مانند بزهکار - بزه دیده و وابستگان آن و نمایندگان جامعه و مقامات عدالت کیفری) مشارکت فعال و سازنده برای ایجاد چنین توازنی فرا می‌خواند» (رحیمی نژاد و دیگران، پیشین: ۷۴). در واقع عدالت ترمیمی بزهکار را پاسخگوی اعمال ارتكابی‌اش قرار می‌دهد تا نسبت به جبران زیان و اصلاح امور اقدام کند و مجموعه‌ای از ارزش‌هایی است که راهنمای تصمیمات، برنامه‌ها و عملکردهاست. ارزش عدالت ترمیمی بر این مفهوم استوار است که تمامی طرفینی که در جرم دخیل هستند باید در پاسخ به جرم شرکت نمایند مجرمین با درک صدمه‌ای که ایجاد به واسطه جرم‌شان آگاه شوند برای آن قبول مسئولیت

کنند و اقداماتی برای جبران صدمه که وارد آورده‌اند به عمل آورند و جرم بعنوان صدمه‌ای به اشخاص و جامعه تلقی می‌گردد (یکرنگی و شیروی، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

۳- فرایند عدالت ترمیمی

همه فرایندی که در آن، بزه دیده و بزهکار و در صورت لزوم، هر فرد دیگری یا اعضای جامعه تحت تاثیر بزه با یکدیگر فعالانه کار کنند و همکاری داشته باشند برای مسائل به وجود آمده برای بزه، راه‌حلی بیابند که به یک تسهیل کننده یاری برساند، فرایند ترمیمی نامیده می‌شود. فرایندهای ترمیمی، به معنای هر فرایندی است که بزه دیده و بزهکار و بصورت خاص‌تر، هر فرد یا اعضای جامعه آسیب دیده از بزه، فعالانه در حل کردن مشکلات ناشی از بزه شرکت کنند و همچنین فرایندهای ترمیمی میانجیگری، آشتی و نشست و حلقه‌های تعیین مجازات را در بر می‌گیرد. عدالت ترمیمی به بررسی خطاها و آسیب‌ها می‌پردازد. خطاهایی که بزهکار مرتکب می‌شود و آسیب‌هایی که به روابط بزه دیده و بزهکار، بزهکار و اجتماع و ... وارد شده است و سپس به اصلاح این آسیب‌ها می‌پردازد. آشکار است که این آسیب‌ها بر بزه دیده تاثیر می‌گذارد. پس یکی از افرادی که باید در یک فرایند ترمیمی شرکت داشته باشد بزه دیده است زیرا در درجه اول او آسیب دیده است و بدون حضور و امکان شناسایی دقیق آسیب‌های وارده و اصلاح آن آسیب‌ها، امکانپذیر نیست از طرفی ۳۵ ادعا می‌شود که خطاها به روابط آسیب می‌زند. روابط بزهکار و بزه دیده، روابط بزهکار و اعضای جامعه و ... پس باید به بزهکار نیز توجه شود (شیروی، پیشین: ۳۳۴-۳۳۳). چرا که وی نیز از اجزای این رابطه است پس خود وی نیز آسیب دیده است.

اگر گفته شود عدالت ترمیمی به دنبال التیام بخشیدن آسیبی است که رخ داده هر دو طرف باید در فرایند شرکت کنند در مفهوم کلی تر عدالت ترمیمی در پی ترسیم رابطه دو طرف است بنابراین می‌باید هر دو طرف تا انتها در جهت یک مسیر گام بردارند و برای ایجاد رابطه آشتی و گسترش توافق پیرامون نتیجه دلخواه بین بزه دیده و بزهکار تاکید کنند (همان، ۳۳۵). و از توسل به شیوه‌های سنتی رسیدگی قضایی پرهیز کرده و بنابراین نهادهای سازش و میانجی را می‌توان از بارزترین این جلوه‌ها دانست. طرف‌های درگیر اختلاف بزهکار و بزه دیده هر دو می‌توانند بطور مستقیم در موضوع مورد اختلاف، تاثیرگذار باشند زیرا همواره شانس حل‌وفصل اختلاف میان خود را دارند. در حالیکه این شانس در شیوه‌های سنتی وجود ندارد. استفاده از مصالحه بیرون از دادگاه برای نظام عدالت کیفری نیز سود (به ویژه اقتصادی) بسیاری دارد زیرا در غیر اینصورت نظام کیفری ناچار است هزینه‌های هنگفتی را صرف نظارت و نگهداری مجریان بر اصلاح و بازسازی آنان کند. در روش‌های حل‌وفصل سازش کارانه، به بزه دیده فرصت داده می‌شود تا احساسات خود را برای

نمونه (شرم، خشم، حساسیت و رضایت ...) ابراز کند. و از این رهگذر امکان راهنمایی او برای مشاوره و درمان فراهم می‌شود از نظر شکلی نیز روش‌های مصالحه بیرون از دادگاه این امکان را فراهم می‌کند که بزه دیده خسارت را بدون درگیر شدن در تشریفات دست و پاگیر اداری و کاغذ بازی دریافت نماید (ورزلی، بی‌تا: ۱۶-۱۰). بطور کلی در عدالت ترمیمی اهمیت دادن به نتیجه، مهمتر از فرایند است. در صورتی که فرایند ترمیمی به نتیجه ترمیمی منجر نشود این فرایند شکست خورده تلقی می‌شود در یک فرایند ترمیمی، هدف (رسیدن به نتیجه ترمیمی) اصل تلقی می‌شود (شیری، پیشین: ۳۳۶).

۴- ارکان عدالت ترمیمی

ارکان یا ستون اصلی عدالت ترمیمی که عبارت است از صدمات یا زیان‌ها و نیازها، تعهدات و مشارکت و درگیر شدن.

- عدالت ترمیمی بر صدمه و زیان تمرکز می‌کند: درک عدالت ترمیمی از جرم، قبل از هر چیز این است که جرم به افراد و اجتماعات لطمه می‌زند. نظام حقوقی ما، با تاکید بر قوانین و مقررات و با این نگرش که دولت، بزه دیده است، اغلب این واقعیت را نادیده می‌گیرد. نظام حقوقی با تاکید اساسی بر این نکته که باید مطمئن شد بزه‌کار آنچه را که مستحق آن است متحمل می‌شود، به بزه دیدگان در بهترین وضعیت، بعنوان دومین موضوع اجرای عدالت می‌نگرد. در مقابل، تمرکز بر صدمه و زیان وارده، موجب و متضمن توجه وافر به نیازها و نقش‌های بزه دیدگان است عدالت ترمیمی در جستجوی جبران و ترمیم ضرر و زیان، هم به صورت دقیق و واقعی و هم به صورت نمادین تا آنجا که امکانپذیر است، می‌باشد. هدف عدالت ترمیمی ایجاد بهبودی و التیام برای کلیه کسانی است که از جرم متأثر شده‌اند.

- ارتکاب جرم یا ایراد صدمه و زیان منجر به ایجاد تعهداتی می‌شود. عدالت ترمیمی بر پاسخگویی و مسئولیت بزه‌کار تاکید می‌کند. در نظام حقوقی، پاسخگویی بزه‌کار به اطمینان از مجازات شدن وی تعریف می‌شود. با این وجود، اگر جرم اساساً ناظر به ایراد صدمه و زیان است، پاسخگویی بزه‌کار به این معنی است که او باید تشویق شود که آن ضرر و زیان را بعنوان نتیجه به علاوه، این امر بدان معنی است که آنها تا آنجا که امکانپذیر است مسئول اصلاح امور و درست کردن آنچه که تخریب کرده‌اند، هم به صورت دقیق و هم بطور نمادین هستند.

- عدالت ترمیمی مشارکت و مداخله را ترویج می‌کند. اصل مشارکت و مداخله بر این عقیده استوار است که طرفین اصلی متأثر از جرم بزه دیدگان، بزه‌کاران و اعضای جامعه محلی نقش مهمی در فرایند اجرای عدالت دارند. این سهامداران نیازمند آن هستند که اطلاعاتی درخصوص یکدیگر داشته و در تصمیم‌گیری راجع به آنچه که عدالت در یک مورد خاص حکم می‌کند، درگیر باشند. آنها شریک داستان و سرگذشت یکدیگر

می‌شوند از اوضاع و احوال یکدیگر باخبر شوند. در مواردی نیز ممکن است تبادل نظر غیرمستقیم، استفاده از نماینده و یا اشکال دیگر اشتغال یا مداخله باشد. بطورکل عدالت ترمیمی مستلزم آن است که حداقل ما به صدمه و زیان بزه دیدگان و نیازهای آنها توجه کنیم، بزهکار را پاسخگوی اعمال ارتكابی وی قرار دهیم تا نسبت به جبران زیان و اصلاح امور اقدام کند و بزه دیدگان، بزهکاران و جامعه محلی را در این فرایند مشارکت دهد (هوارد، ۱۳۸۸: ۵۸-۵۵).

۵- هدف کیفر در عدالت ترمیمی

هدف اصلی از کیفر در فرایندهای ترمیمی، جبران آسیب‌های وارده به بزه دیده، آشتی میان بزه دیده و بزهکار و تغییر رفتار بزهکار است. این تغییر رفتار باعث می‌شود بزهکار به جامعه باز گردد و بتواند نقشی مفید و سازنده پیدا کند. اثر دیگر این تغییر رفتار در پیشگیری از بزه مجددی که بزهکار مرتکب می‌شود آشکار می‌گردد. به عبارت دیگر بزهکار در شرایطی قرار می‌گیرد که به یک شهروند مطیع قانون تبدیل می‌شود و دیگر مرتکب جرم نمی‌گردد. در فرایندهای ترمیمی نگاه به آینده نیز مدنظر قرار می‌گیرد یعنی ایجاد بسترهای لازم جهت عدم توقع بزه در آینده است. در واقع بزهکار صریحاً به بزه ارتكابی علیه بزه دیده اعتراف می‌کند و ضمن ابراز ندامت و پشیمانی از بزه ارتكابی، آمادگی خود را در جهت جبران آسیب‌های وارده اعلام می‌نماید ۳۷ یا اینکه بطور ضمنی بزه ارتكابی را برعهده می‌گیرد. از این‌رو وقتی بزهکار وارد فرایند عدالت ترمیمی می‌شود حداقل به این معناست که تقصیرش را قبل از اجرای فرایند پذیرفته است.

فعالیت عدالت ترمیمی به جای قضاوت براساس تقصیرش یا بی‌گناهی مرتکب حول محور پاسخ مناسب به رفتار ارتكابی است هدف واقعی عدالت ترمیمی رسیدن به نقطه آشتی بزه دیده و بزهکار است (شیری، پیشین: ۲۰۴-۲۰۵). نقش بزه دیده محوری بوده و نقطه تمرکز عدالت ترمیمی است جبران زیان وارده توسط بزهکار به بزه دیده و در قلمرو وسیع به جامعه، اولویت اصلی است و اعضای جامعه یا نهادهای آن نقش بسیار فعالی را ایفا می‌کنند وجه مشخصه فرایند رسیدگی در عدالت ترمیمی گفتگو و مذاکره میان طرفین است (غلامی، بی‌تا: ۱۸۶). عدالت ترمیمی دعوتی است به مشارکت کامل و اتفاق نظر و اجماع این امر بدان معناست که بزه دیدگان و بزهکاران اصولاً درگیر موضوع می‌شوند. اما با این وجود افرادی که بطور غیرمستقیم تحت تاثیر واقعه مجرمانه قرار گرفته‌اند نیز می‌توانند آنچه را که نقض کرده‌اند بهبود بخشند تا بهبود یابد و خود را باز یافته، احساس آرامش و امنیت مجدد نمایند. عدالت ترمیمی در جستجوی (ایجاد احساس) پاسخگوی کامل و مستقیم است. بلکه طرفین باید باهم روبرو گردند و ملاحظه نمایند که اقدامات آنان چگونه منجر به ضرر و زیان دیگران شده است. عدالت ترمیمی در جستجوی بازگرداندن وحدت و هماهنگی به آن چیزی

است که در نتیجه ارتکاب جرم گسسته شده است. که این خود یکی از مهمترین زبان‌های ناشی از ارتکاب جرم است.

فرایندهای عدالت ترمیمی اقداماتی برای ایجاد آشتی و توافق میان بزهکار و بزه دیده و بازگرداندن هر دوی آنها به جامعه است. عدالت ترمیمی در جستجوی تقویت جامعه محلی جهت پیشگیری از آینده است (همان، ۱۸۹-۱۹۱). البته ایرادهای وارد بر رسیدگی ترمیمی بار می‌باشد از آن جهت که ویژگی این نحوه رسیدگی با اصل ۱۳۶ قانون اساسی که مقرر داشته که رسیدگی به دعاوی باید برطبق قانون و توسط دادگاه صالح انجام شود به نظر می‌رسد در اجرای اصل ۱۰ قانون اساسی و تقویت نهاد خانواده، در حال حاضر ترمیمی نمودن رسیدگی کیفری در جرائم علیه خانواده راهکارهای موثر جهت کاستن از مضرات ضمانت کیفری می‌باشد ولی در صورتی که اختلاف به طرق فوق قابل حل نباشد و توسل به ضمانت اجراهای کیفری لازم باشد در تعیین ضمانت اجراهای کیفری به ماهیت روابط اعضای خانواده توجه شود استفاده از ضمانت اجراهای کیفری وقتی مجازات که امکان استفاده از سایر ضمانت اجراها وجود نداشته باشد. حقوق خانواده حقوقی است که در آن کمتر یا به ندرت باید از ضمانت اجراهای کیفری استفاده کرد ضمانت اجراهای کیفری در حقوق خانواده باید به قید ضرورت و بعنوان آخرین حربه مورد استفاده قرار گیرد (قربانی، ۱۳۹۴: ۹۱).

۶- وجه افتراق عدالت کیفری با عدالت ترمیمی

- طرز تلقی از جرم که در عدالت کیفری دو موضوع بزهکار و دولت مطرح است اما در عدالت ترمیمی جرم اختلافی میان بزهکار و بزه دیده و رفتاری است که علیه ارزش‌های جامعه محلی ارتکاب یافته است.
- هدف نیز در عدالت کیفری سنتی هدف غایی عدالت احراز مجرمیت بزهکار و اجرای کیفر است. اما در عدالت ترمیمی هدف نهایی بازسازی روابط محلی و جامعه بزهکار و بزه دیده و جامعه محلی است.
- در عدالت کیفر سنتی تشریفات دادرسی به لحاظ حقوق بشر بسیار پیچیده است و مسائل آئین دادرسی بعنوان رسیدگی عادلانه مطرح است اما در عدالت ترمیمی غرض ما فراهم آوردن نوعی سازش و آشتی می‌باشد و تابع رسیدگی تشریفات قضایی نیستند.
- در عدالت ترمیمی در هر بستر و هر زمان و مکانی قابل دستیابی است اما در عدالت کیفری سنتی چون دولت است در محل معینی انجام می‌شود و سیار بودن قاضی یک استثنا است.
- عدالت ترمیمی از مدل‌های جامعه سیاست جنایی است. زیرا همگی از اعضای جامعه هستند. اما در عدالت کیفری سنتی از عدالتی بحث می‌کنیم در دو سه دهه اخیر جلوه‌ای از نظارت جامعه در آن مشاهده می‌شود.
- عدالت ترمیمی در بسیاری از اشکال مصادیق قضادایی می‌باشد از آنجا که کیفر تبدیل به ضمانت اجرایی می‌شود و به دنبال ترمیم و بازسازی روان بزه دیده و در نهایت متنبه و آگاه ساختن بزهکار است.

- ویژگی عدالت ترمیمی و فلسفه آن حکایت از الهام و بهره‌گیری از فرهنگ حقوقی - قضایی گذشته و حال دارد، فرهنگی که در عصر بدون دولت، اختلافات را رفع می‌کرده است بنابراین می‌توان گفت عدالت ترمیمی نوعی بازگشت به گذشته است ولی عدالت کیفری سنتی مبتنی بر نظریات فلسفی جرم‌شناسی، دولت‌ها و ... است عمری حدود ۲۰۰ سال دارد.

- در عدالت ترمیمی صحبت از فرایند حل و فصل اختلافات است اما عدالت کیفری صحبت از فرایند رسیدگی به جرم است.

- در عدالت کیفری سنتی و کلاسیک هدف از رسیدگی در واقع تعیین تکلیف و حل و فصل پرونده است اما در عدالت ترمیمی، علاوه بر حل و فصل دعوی، رفع خصومت و تنش و رفع کدورت مطرح است در واقع نوعی آشتی ناشی از فرایند است.

- عدالت ترمیمی جنبه داوطلبانه و توافقی دارد. اما کیفری تحمیلی و یک‌سویه است.

- در عدالت کیفری سنتی نقش بزه‌کار و بزه دیده منفعل و ثانویه است اما در عدالت ترمیمی برخلاف عدالت سنتی نقش بزه‌کار و بزه دیده فعال و ضروری و اساسی است.

- در عدالت کیفری سنتی جامعه محلی تقریباً هیچ نقشی ندارد و به صورت (شاهدی کنشگر) منفعل عمل می‌کند. اما در عدالت ترمیمی جامعه محلی خیلی فعال بوده و به حمایت از بزه دیده و کمک به بزه‌کار برای جبران خسارت می‌پردازد (نجفی ابرندآبادی، پیشین: ۱۳۸۲).

۷- جرائم علیه اعضای خانواده

خانواده نخستین کانون اجتماعی است که در زندگی جمعی انسان شکل گرفته و مهمترین نقش را در توسعه و رشد مراحل حیات بشر از ابتدا تاکنون و تا فرجام زندگی، نسبت به سایر نهادهای اجتماعی داراست و متأسفانه امروزه به دلیل عوامل مختلفی، نهاد مقدس خانواده دچار تزلزل و بحران شده است و کمتر زنان و کودکان که از مهمترین ارکان این نهاد به شمار می‌آیند به‌داده می‌شود. دولت‌ها حمایت‌های مختلفی را برای حمایت از کیان خانواده اتخاذ می‌کنند یکی از این اقدامات، جرم‌انگاری رفتارها و اعمالی است که موجودیت خانواده و اعضای آن را تهدید می‌کنند (سلمان‌پور و حیدری، ۱۳۹۳: ۸۳). جرم‌انگاری این رفتارها، حمایت کیفری از نهاد خانواده در قوانین و مقررات داخلی کشورمان را رقم خواهد زد زیرا اعتقاد بر این است که حمایت کیفری متناسب بدون آسیب زدن به بنیان خانواده می‌تواند سبب استحکام این نهاد مجری نظم باشد (همان، ۸۴). اقدام قانونگذار ایران در جلوگیری از عسر و حرج زن در محیط خانواده و کاهش آسیب‌های روانی در قانون مجازات در قانون قابل تقدیر است (اسدی، ب، بی تا). برای ایجاد رابطه سالم و دور از هرگونه

درگیری میان همسران، شناخت جایگاه و مسئولیت هریک از آنان در زندگی مشترک ضروری به نظر می‌رسد هنگامی که زن و مردی تشکیل خانواده می‌دهند. شوهر به دستور قانون باید نیازهای مشترک را رفع کند بر این اساس لازم است که مشخص شود تامین این نیازها باید بر چه پایه‌ای و تا چه حدودی صورت می‌گیرد طبیعی است که زن و شوهر سازگار و با محبت، در این امور به آسانی به توافق می‌رسند. شوهر کوشش می‌کند آنچه در توان دارد برای آسایش همسرش فراهم کند. زن نیز از شوهر خود چیزی نمی‌خواهد که توانایی انجام آن را ندارد زیرا زندگی و خواست آن دو از یکدیگر جدا نیست هر دو خواستار آسایش و آرامش خانواده‌اند (خلیلی، ۱۳۹۴: ۳۵). و از آنجا که خانواده براساس قدرت انسان در انتخاب به خانواده اصلی و شخصی تقسیم می‌شود. خانواده اصلی کانونی است که طفل در آن متولد می‌شود و محیطی اجتناب‌ناپذیر و حتمی برای او است که هرگز با اراده آن را انتخاب نکرده است خانواده شخصی برعکس خانواده اصلی کانونی است که شخصی بنا بر اراده خود با انتخاب همسر بنا می‌نهد. انگیزه تشکیل چنین کانونی را نیاز طبیعی، شوق همدلی، ذوق همدلی، گریز از انزوا، میل به بقا و ابدیت بخشیدن به هستی خود، احساس سازندگی و خلاقیت در همسرگزینی دانسته‌اند (همان، ۹۱-۹۰).

در سطح خانواده می‌توان از راهبرد توجه اجتماعی یعنی گوش فرا دادن به مسائل، تاکید کردن، علاقمند بودن، تحسین و تشویق و اظهار برخی علایم مثبت استفاده نمود و موجب تقویت روحیه همبستگی و دوری از خشونت‌ورزی گردید (شادمانی، بی‌تا: ۸۴). در حقوق ایران مانند پاره‌ای کشورهای بویژه کشورهای اسلامی ریاست خانواده برعهده مرد است. هر اجتماعی باید دارای رئیسی باشد که کارها را هماهنگ کند و در صورت بروز اختلاف نظر او قاطع باشد خانواده نیز از این قاعده مستثنی نمی‌تواند باشد. اصولاً زن و شوهر باید با صفا و صمیمیت و توافق یکدیگر امور خانواده را اداره کنند ریاست خانواده بیشتر یک وظیفه اجتماعی است که برای تأمین سعادت خانواده به مرد محول گردیده و او نمی‌تواند از آن سو استفاده کند و برخلاف عرف و مصلحت خانواده آن را بکار ببرد (صفایی و امامی، ۱۳۹۳: ۱۱۳). جرائمی که ارتکاب آنها تهدیدی برای خانواده است متنوع‌اند. برخی از این جرائم علیه قداست خانواده رخ می‌دهد مثل عدم ثبت نکاح و برخی دیگر علیه تحکیم خانواده و بنیان‌های خانواده رخ می‌دهد نظیر خشونت علیه زنان و کودکان و برخی دیگر نیز همچون ترک انفاق مستقیماً اعضای خانواده را هدف می‌گیرند (سلمان پور و حیدری، پیشین: ۸۴). ازدواج از قدیمی‌ترین نهادهای حقوقی است که در جوامع گوناگون و در میان اقدام و ملل مختلف رواج داشته است و از تقدس خاصی نیز برخوردار بوده است از این‌رو نفقه در این نهاد حقوقی براساس فرهنگ، آداب و عرف خاص موسوم بگونه‌ای مطرح بوده و در احادیث از پیامبر اعظم (ص) نقل شده در خطبه الوداع پس از بیان حقوق مردان بر زنان و همسران خود، به ذکر حقوق زنان بر همسران پرداختند و فرمودند: فعلیکم رزقهن و کسوتهن بالمعروف ... پس روزی و پوشاک همسران به شایستگی برعهده زوج است (حسینی، ۱۳۹۳: ۳۴).

۸- بررسی جرم ترک انفاق

تعریف انفاق: از نظر لغوی انفاق از ریشه نفق به معنی مصرف و بخشش بوده و نفق به معنای سپری گشتن و نیست شدن است و نفقه به فتح نون وفا و قاف-اسم مصدر است که مصدرش نفوق و جمع نفقات و نفاق به معنی صرف نظر کردن و خروج است نفقه در اصطلاح حقوقی شامل چیزهایی است که برای زندگی به آن احتیاج دارد از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و اثاثیه داخل آن. بطورکل می توان گفت منظور از نفقه زوجه آن چیزهایی است که زن برای گذراندن زندگی به آن نیاز دارد و تشخیص این نیاز توسط عرف رایج در جامعه صورت می گیرد و همچنین وضعیت و شخصیت زن نیز تا حدی باید مورد توجه قرار گیرد (اسدی، ج)، بی تا). با انعقاد عقد نکاح مسئولیتها و تکالیفی برعهده زوجین قرار می گیرد که هریک از زوجین باید به نحو احسن و با کمال میل و رغبت به ایفای وظایف خویش پرداخته تا حریم خانواده از گزند اختلاف و کشمکشها در امان ماند (رضایی راد و صحرانشین سامانی، ۱۳۹۳: ۳۶). از جمله وظایف در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی اذعان می دارد که نفقه عبارت است از مسکن، البسه، غذا و اثاث البیت که بطور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا (ق. م: ۱۱۰۷). ترک انفاق از جرائم قابل گذشت است و هدف از جرم انگاری آن حمایت از وضعیت مالی زوجه و سایر اشخاص واجب النفقه در خانواده است (عظیم زاده اردبیلی و ریاضت، ۱۳۹۴: ۵۵). جرائم قابل گذشت جرمی هستند ۴۱ که به لحاظ کم اهمیت بودن حیثیت عمومی جرم، زمانی به علت رعایت مصالح و منافع خانوادگی و جلوگیری از لکه دار شدن حیثیت و شئون افراد و در برخی موارد بنابر ملاحظات سیاسی و اقتصادی تعقیب دعوی عمومی را به مطالبه متضرر از جرم منوط می کند. و به مراجع کیفری امکان و اجازه نمی دهد بدون تقاضا متضرر را تحت تعقیب قرار دهند (اسدی الف)، ۱۳۷۸: ۱۳۵).

۸-۱- نفقه در مکتب اسلام

تنها دین و آئینی که در جهان برای زن ارزش قائل گردیده و مقام آنرا از بردگی و بدبختی به هم تراز یا و با مرد در رتبه و انسانیت رسانید، دین و آئین اسلام است. به گفته گوستاولوبون: «مذهب اسلام است که زن را از پست ترین وضع به بلندترین مقامات رساند، نه مذهب مسیح چنان که در میان مردم شایع است». لوبون، حقوقی که قرآن و کتابهای فقهی برای زن مقرر داشته به مراتب بیش از آن حقوقی است که زنان در اروپا دارا هستند. یک زن مسلمان گذشته از مهریه که دارد، اموال شخصی او نیز به دست خود او است، به هیچ وجه ملزم نیست که بعنوان شرکت در مخارج منزل مبلغی بپردازد و هنگامی که طلاق گرفت، نفقه خود را دریافت می دارد. وظیفه مهمی که در زندگی زناشویی متوجه مرد است، همانا وظیفه انفاق و تکفل معیشت زن و فرزندان است. اسلام ضعف و لطافت طبیعی زن و نیرومندی و قوت فطری مرد را مورد ملاحظه

قرار داده، با دیده رحمت و شفقت به زن نگریسته است و او را از تادیبه مخارج ضروری خانواده معاف نموده و این وظیفه سنگین را در مقابل توقعاتی که مرد دارد، برعهده او گذاشته است (حسینی، پیشین: ۲۷).

۸-۲- عناصر جرم ترک انفاق

جرم ترک انفاق مانند سایر جرائم باید دارای عناصر متشکله مادی و معنوی بوده و طبق اصل قانونی بودن جرم و مجازات برای آن در قوانین مصوبه مجازات تعیین شده و اصولاً چنین عملی جرم شناخته شده باشد.

۸-۲-۱- اصل قانونی بودن جرم و مجازات

اصل قانونی بودن جرم و مجازات، یکی از اصولی است که از دیرباز در حقوق شناخته شده و گذشت زمان نه تنها از اهمیت آن نکاسته بلکه روز به روز ضرورت وجود آن بیشتر احساس می‌شود و به اعتبار آن افزوده شده است. چرا که طبق این اصل هیچ عملی جرم نیست مگر اینکه قانون آن را جرم بشناسد و اعمال هیچ مجازاتی ممکن نخواهد بود مگر قانون آن را اجازه داده باشد (اسدی(الف)، پیشین: ۸۹).

۸-۲-۲- عنصر مادی

عنصر مادی عبارت است از عمل مجرم که در خارج واقع شود هرچند در بیشتر موارد عنصر مادی به صورت عمل یا فعل مثبت بروز می‌نماید اما گاهی اوقات ترک فعل نیز می‌تواند بعنوان عنصر مادی برخی جرائم در نظر گرفته شود به همین جهت نیز ماده ۲ قانون مجازات اسلامی هر فعل یا ترک فعل را که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود. در مورد ترک فعل بعنوان عنصر مادی جرم باید گفت گاهی قانونگذار از جهت حفظ نظر عمومی وظیفه و تکلیفی برای افراد معین نمود و در صورتی که اشخاص از انجام آن خودداری نمایند برای آنها مجازات تعیین نموده است برای جرم ترک انفاق نیز هم چنانکه از عنوان آن مشخص است عنصر مادی آن ترک فعل است نسبت به تکلیف وظیفه‌ای که قانونگذار و شارع برای افراد مقرر داشته است قانونگذار ایران از جهت فقط کیان خانواده و رفع ضروریات زندگی اقارب، وجوب نفقه را بر افراد قرار داده است.

۸-۲-۳- عنصر روانی

بطور کلی برای تحقق عنصر روانی، وجود دو عامل ضروری است یکی اراده ارتکاب و دیگری قصد مجرمانه. اراده ارتکاب یعنی اینکه شخصی بخواهد این عمل را انجام دهد پس هرگاه به اجبار و اکراه و تهدید بگونه‌ای که اراده وی در اثر آن اعمال سلب گردید و مسلوب الاختیار شده عمل را انجام دهد فاقد اراده بوده و عنصر معنوی تحقق نیافته است. و از طرفی هرگاه اراده انجام فعل را داشته اما قصد انجام عمل مجرمانه (در جرائم

عمدی) را نداشته باشد، عنصر معنوی بزه کامل نبوده و از این جهت نمی‌توان وی را مقصر و مجرم دانست (همان، ۹۱-۹۰).

۹- راهکارهای عدالت ترمیمی در جرم ترک انفاق

اصولاً عدالت ترمیمی، سیاستی است که در پی ترمیم گسست‌ها و شکاف‌های روابط انسانی و ترمیم و درمان لطامات و صدمات متحمل شده از سوی بزه دیده و بزه‌کار و وابستگان آنها و جامعه است و از روشی مسالمت-آمیز برای مدیریت بزه‌کاری بهره می‌برد. در واقع عدالت ترمیمی می‌خواهد بزه‌کاران را مستقیم خطاب قرار دهد و از طرفی وی را با جامعه، بزه دیده و مقامات دستگاه کیفری آشتی دهد. ترک نفقه به دلیل اهمیت وافر آن در خانواده، از طرف قانونگذار چه در گذشته و حال، با شرایط خاصی که شارع مقرر کرده مورد حمایت کیفری قرار گرفته و بررسی تشدید مجازات در تاریخچه جرم‌انگاری ترک انفاق در زمان قبل و بعد از انقلاب خالی از لطف نیست (خلیلی، پیشین: ۴۹). چگونگی روابط بین زن و شوهر و دادوستد عاطفی از مهمترین نشانه‌های سلامت و موفقیت خانواده و یا ضعف و ناکارآمدی آن است. بطور کلی، هر عاملی که باعث به وجود آمدن و یا از میان رفتن تفاهم و توافق زوجین و ناسازگاری زناشویی شود مانع ثبات و استحکام خانواده است طبق آموزه‌های دینی و رسیدن به آرامش و همگرایی عاطفی میان زن و مرد است (همان، ۴۳-۱۰۰). امروزه استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی، در قلمروی حقوق خانواده نیز گسترش یافته است برنامه‌هایی نظیر عدالت ترمیمی، نظیر روش‌های جایگزین برای حل اختلاف نیز گام مهمی در میانجیگری خانوادگی برداشته‌اند حال سوال اینست که آیا عدالت ترمیمی می‌تواند در جرائم علیه خانواده (ترک انفاق) نیز پاسخگو باشد؟ عدم توازن قدرت بین زن و مرد باعث می‌شود که زنان احساس کنند که در این فرایند بزه دیده واقع می‌شوند شرکت جوامع پشتیبان در فرایند عدالت ترمیمی و سپس مشارکت جوامع به صورت کلی‌تر با هدف دوری از چنین عدم توازن می‌تواند نامتوازنی قدرت را تعدیل کند. با استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی نظیر میانجیگری خانوادگی زمینه مشارکت اعضای جامعه فراهم می‌شود و با دخالت آنها، ما به هدف عدالت ترمیمی، که ترمیم روابط یکدیگر است نزدیکتر می‌شویم نکته مهم دیگر اینکه در دعاوی خانوادگی حائز اهمیت است توجه به نقش عواطف و احساسات دو طرف در یک اختلاف خانوادگی است.

اینگونه عواطف در دادگاه خانواده نادیده می‌شود و فرصت کافی برای گوش دادن به صحبت‌های دو طرف وجود ندارد بیان نیازهای عاطفی و روحی جایگاهی ندارد. از طرف دیگر به دلیل حضور نداشتن اعضای خانواده، جامعه محلی، مشاوران خانوادگی و دیگر گروه‌های اجتماعی، تلاشی جهت صلح و آشتی به عمل نمی‌آید (شیری، پیشین: ۴۱۳). در حالیکه در یک فرایند عدالت ترمیمی با حضور اعضای جامعه، میانجیگران

و تسهیل کنندگان در محیطی صمیمی و دوستانه به وجود می‌آید در یک فرایند ترمیمی همه تلاش می‌کنند تا راهی برای آشتی و صلح و حل اختلاف پیدا کنند در فرایند عدالت ترمیمی در ارتباط با دعاوی خانوادگی بکار گرفته شود منجر به کاهش مراجعات به دادگستری و افزایش حل و فصل اختلافات از طریق گفتگو و سازش، پیشگیری از وقوع جرم (ترک نفقه) و در نهایت صلح و آشتی و ترمیم می‌شود (همان، ۴۱۶). در دعاوی ترک انفاق زن توسط شوهر، مرد مجرم به شمار می‌رود در حالیکه آن دو دارای زندگی زناشویی مشترکی نیز هستند و با طرح چنین دعوایی ادامه زندگیشان نیز در خطر است. حال اگر زن و شوهر بعنوان بزه‌کار و بزه دیده همراه با خانواده‌هایشان برای دریافت راه‌حلی به تعامل و مشارکت بپردازند علاوه بر اینکه نحوه پرداخت نفقه توافق می‌شود تنش‌های رایج در دعاوی کیفری نیز طرفین را تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد. لذا واکنش کیفری در برابر جرائم حوزه خانواده باید متفاوت از سایر جرائم باشند. در نظر گرفتن مجازات‌های متنوع توسط قانونگذار در این حوزه و اعمال مجازات تعزیری در بیشتر این جرائم، کاربرد حداکثری عدالت ترمیمی را اثبات می‌کند (کاظم‌پور و رنگهی تهرانی، ۱۳۹۷: ۷۹). در محیط خانواده به دلیل وضعیت خاص آن در وهله اول قواعد حقوقی حاکم هستند. گذشت و ایثار از جمله قواعد اخلاقی حاکم بر خانواده‌اند که قواعد کیفری هرگز نمی‌توانند جایگزین آنها شوند به همین دلیل است تعداد جرائم علیه خانواده در مقایسه با دیگر حوزه‌ها بسیار کمتر است جزء در موارد خاص و محدود، قانونگذار از هرگونه مداخله کیفری اجتناب می‌نماید و مبنای اصلی این مساله آن است که محیط خانواده یک محیط خصوصی است و قواعد کیفری که از جمله قواعد مربوط به حقوق عمومی است نمی‌تواند قلمرو خود را گسترش دهد وارد مرزهای خصوصی افراد شوند.

۴۴

نتیجه‌گیری

حال با بررسی‌های انجام شده به نتایج دست می‌یابیم که باتوجه به اصول و مبانی و شیوه‌های اجرایی عدالت ترمیمی از یک‌سو و ویژگی‌های جرائم خانوادگی و مجازات‌های آنها، حوزه خانواده بهترین و مناسب‌ترین حوزه اجرای این سیاست است لذا قانونگذار نیز در قوانین کیفری جدید شیوه‌های نظیر آزادی مشروط و میانجیگری، توجه به بزه دیده را در نظر گرفته است. در آغاز این نوشتار، با بررسی اهداف و روش‌های عدالت ترمیمی و چگونگی اجرای آن در جرائم خانوادگی، درصدد آن بودیم که نشان دهیم با اعمال مجازات‌ها، مطابق اصل، قانونگذاران را به اتخاذ چنین شیوه‌هایی جهت برقراری عدالت خصوصا در محاکم خانواده می‌توان وادار کرد بطورکلی می‌توان گفت: روش‌های اجرایی عدالت ترمیمی، بررسی امکان یا عدم امکان اجرای آن در قوانین کیفری خانواده ایران ضروری به نظر می‌رسد. اجرای عدالت ترمیمی در جرائم تعزیری پر رنگ‌تر و دارای کاربرد بیشتری در حوزه خانواده می‌باشد. زیرا عمده جرائم خانوادگی تحت عنوان جرائم تعزیری در

فقه و حقوق اسلامی متجلی گشته‌اند و از طرف دیگر وجود سه شاخصه ارزشی بودن، عاطفی بودن و پنهان بودن در نهاد خانواده این نهاد را از سایر نهادهای اجتماعی متمایز می‌کند. آنچه از تحلیل جرائم علیه خانواده بعمل آمده است، این می‌باشد که مجازات وضع شده برای جرائم در جهت حفظ و کیان خانواده و عدم تضییع حقوق زوجین مقصود قانونگذار را تامین نمی‌کند. چرا که مجازات‌هایی مانند حبس محل استحکام و دوام خانواده و باعث کمرنگ شدن عواطف و علاقه و محبت زوجین نسبت به یکدیگر می‌شود و زمینه را برای بازگشت زوجین به ادامه زندگی مشترک ناهموار و سخت می‌کند زیرا جرم ترک انفاق علاوه بر لطمه اقتصادی که به نهاد خانواده وارد می‌کند موجب شکاف عاطفی عمیق و بلندمدت در این نهاد مقدس نیز می‌گردد. زیرا شوهری که با شکایت همسر خود به حبس رفته دیگر نمی‌تواند مثل سابق به او عشق بورزد و همسری که او را به دادگاه کشانده و موجبات آزار و رسوایی او در میان خانواده و جامعه شده مانند سابق دوست بدارد و برای او وفاداری کند. کانون خانواده محلی برای انتقام‌گیری یا حق‌گیری نیست یا محلی باشد که بتوان با اعضای خانواده تصفیه حساب کرد درست است امروزه قانونگذار وارد خانواده شده و برخی جرم‌انگاری برای احقاق حق برخی افراد را پیش‌بینی کرده اما این جرم‌انگاری درست بعد از اجرای حق این افراد در مورد ترک انفاق، زنان و فرزندان بعد از زندانی شدن همسر و پدر دچار مشکلاتی می‌شوند که وضعیت‌شان بدتر می‌شود و قاعده بد و بدتر نمایان می‌گردد.

فهرست منابع

- ۱- اسدی(الف)، لیلا (۱۳۷۸)، «جرم ترک انفاق در حقوق ایران و مقایسه با نهاد مشابه در حقوق انگلیس»، **پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه تهران.**
- ۲- اسدی(ب)، لیلا (بی‌تا)، «جرم ترک انفاق و ضمانت‌های اجرایی آن»، **فصلنامه ندای صادق**، ش ۱۳.
- ۳- اسدی(ج)، لیلا (بی‌تا)، «مهار خشونت‌های خانگی از قانون تا اخلاق»، **فصلنامه کتاب زنان**، ش ۲۳.
- ۴- رضایی‌راد، عبدالحسین و صحرانشین سامانی، سهیلا (۱۳۹۳)، «جرائم علیه خانواده، چالش‌ها و راهکارها»، **فصلنامه دانش و پژوهش حقوقی**، س ۳، ش ۶۵.
- ۵- حسینی، سیده ساناز (۱۳۹۳)، «بررسی فقه و حقوقی آثار ترک انفاق مطابق قانون جدید مجازات اسلامی»، **پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه تهران.**
- ۶- خلیلی، صحرا (۱۳۹۴)، «آسیب‌شناسی جرم‌انگاری ترک انفاق و راهکارهای پیشگیری از آن»، **پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه تهران.**

- ۷- رحیمی‌نژاد، اسماعیل و دیگران (۱۳۹۴)، «نظریه خنثی‌سازی جرم و ارتباط آن با عدالت ترمیمی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، س ۳، ش ۱۱.
- ۸- هوار، زهرا (۱۳۸۸)، عدالت ترمیمی، مترجم: حسین غلامی، چ ۲، تهران: انتشارات مجد.
- ۹- سلمان‌پور، عباس و حیدری، سعیده (۱۳۹۳)، «گونه‌شناسی جرائم علیه خانواده»، پژوهشنامه حقوق کیفری، س ۵، ش ۱.
- ۱۰- شادمانی، مهدیه (بی‌تا)، «تحلیل و بررسی خشونت علیه زنان (مطالعه موردی: زنان اروپا)»، فصلنامه مطالعاتی سیانت از حقوق زنان.
- ۱۱- شیری، عباس (۱۳۹۶)، عدالت ترمیمی، چ ۱، تهران: نشر میزان.
- ۱۲- صفایی، حسین و امامی، اسداله (۱۳۹۳)، مختصر حقوق خانواده، چ ۳۳، تهران: نشر میزان.
- ۱۳- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و ریاضت، زینب (۱۳۹۴)، «سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرائم علیه زوجه در خانواده»، دو فصلنامه علمی-ترویجی فقه و حقوق خانواده، ش ۶۳.
- ۱۴- غلامی، حسین (بی‌تا)، «الگوی جدید تفکر در امور کیفری»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست.
- ۱۵- قربانی، زهره (۱۳۹۴)، «حمایت کیفری از خانواده در نظم نوین حقوقی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- ۱۶- کاظم‌پور، فاطمه و ورنگهی، تهرانی، عطیه (۱۳۹۷)، «نقش عدالت ترمیمی در واکنش کیفری به جرائم حوزه خانواده»، دو فصلنامه علمی-ترویجی فقه و حقوق خانواده، س ۲۳، ش ۶۳.
- ۱۷- منصور، جهانگیر (۱۳۹۱)، قانون مدنی، چ ۸۲، ج ۱، تهران: نشر دیدار.
- ۱۸- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۸۲)، عدالت ترمیمی، تهران: انتشارات میزان.
- ۱۹- ورزلی، امین (بی‌تا)، «گزارش تحلیلی علل تشکیل پرونده‌های قضایی و تدابیر قضادایی»، دو هفته‌نامه علمی-تحلیلی سازمان بازرسی، س ۳، ش ۱۵.
- ۲۰- یکرنگی، محمد و شیری، مهسا (۱۳۹۰)، «عدالت ترمیمی: واکنشی مناسب در حمایت از آسیب‌های روانی و جسمانی زنان بزه‌دیده خشونت خانگی»، فصلنامه پزشکی، س ۵، ش ۱۹.